



در آستانه بیست و یک سالگی، شبکه از چندسو مورد هجوم قرار گرفته است. در این بیست سال، شبکه کم بحران به خود ندیده است. بحران‌هایی که هر یک به تنهایی می‌توانستند بنگاه فرهنگی کوچکی را به نابودی بکشانند. هر چه بود اما، نهالی که در بیست سال قبل کاشتیم، به کمک طیف وسیعی از دوستان و همکاران، و البته با استقبال و کمک مخاطبان، بیست سالگی را نیز تجربه کرد. رسیدن به بیست سالگی را می‌توانیم به نفع خود تفسیر کنیم و چنین فرض کنیم که حداقلی از رضایت از جانب مخاطبان و شرکت‌ها وجود داشته است.

سرنوشت...

به نظر می‌رسد همه آن تکنیک‌های اداره خشم را که در شماره‌های پیشین گفتم باید اول از همه خودم بکار بگیرم و بعد به مدیران دیگر که بنگاهی را در ایران اداره می‌کنند، توصیه کنم؛ چرا که با شرایط اقتصادی و مالی‌ای که پیش آمده است، دیگر از دست خشم هم کاری بر نمی‌آید! یکی از کلافه‌کننده‌ترین احساس‌هایی که در این شرایط به آدم دست می‌دهد، درماندگی است؛ احساس این که غم خوردن و کوشیدن تو بی‌فایده است و فقط باید نظاره‌گر باشی تا بینی سرنوشت تو چگونه رگم خواهد خورد؛ احساسی که سنگ زیرینای بسیاری از افسردگی‌هاست.

بیست سالگی...

در آستانه بیست و یک سالگی، شبکه از چندسو مورد هجوم قرار گرفته است. در این بیست سال، شبکه کم بحران به خود ندیده است. بحران‌هایی که هر یک به تنهایی می‌توانستند بنگاه فرهنگی کوچکی را به نابودی بکشانند. هر چه بود اما، نهالی که در بیست سال قبل کاشتیم، به کمک طیف وسیعی از دوستان و همکاران، و البته با استقبال و کمک مخاطبان، بیست سالگی را نیز تجربه کرد. رسیدن به بیست سالگی را می‌توانیم به نفع خود تفسیر کنیم و چنین فرض کنیم که حداقلی از رضایت از جانب مخاطبان و شرکت‌ها وجود داشته است.

بیست سال بعد از نخستین شماره، درست در ماهی که متولد شده بود، شبکه اینک در یکی از کوبنده‌ترین بحران‌ها قرار گرفته است. بحرانی که تا همین جا هم بسیاری از بنگاه‌ها را از پا درآورده است و شبکه را نیز به ناچار از بخشی از همکاری‌ها جدا کرده است.

بحران زمان مطالعه ناچیز در میان ایرانی‌ها کم بود که سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی نیز آمدند و نوعی فرهنگ نوشتاری-گفتاری خاص را ترویج کردند. اگرچه شاید این پدیده سطح مطالعه را در ایران افزایش داده باشد، اما قطعا به نشریات جدی‌تر آسیب‌هایی زده است. شبکه تلاش کرده است که پا به پای سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی پیش برود، اما به دلیل رایگان بودن محتوای سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی در ایران، به لحاظ مالی کماکان بار اصلی به دوش مجله کاغذی بوده است. و کاغذ؛ کاغذ؛ این درد بی‌درمان مطبوعات ایران...

با افزایش شدید قیمت ارز و نوسان زیاد آن، علاوه بر گسیختن افسار قیمت کاغذ، قیمت محصولات شبکه و کامپیوتر، که پیش‌تر به استقبال این افزایش رفته بود، سر به فلک کشید و در بسیاری از موارد نایاب شد. این

محصولات که اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها از خارج وارد می‌شوند، به شدت به قیمت ارز وابسته هستند و اکنون هم به دلیل آغاز تحریم‌ها، یا وارد نمی‌شوند و یا وارد بازار نمی‌شوند. در چنین شرایطی شرکت‌ها نیز که ارایه‌کننده اصلی این بازار هستند، کالایی برای عرضه ندارند و بالطبع اغلب آن‌ها برای محصول نداشته خود تبلیغ نمی‌کنند. این گونه است که تعداد صفحات تبلیغ شبکه به تعداد تبلیغات شماره‌ها اول آن در بیست سال پیش رسیده است. البته کسانی که همیشه از دست تبلیغات زیاد مجله کاغذی در فغان بوده‌اند، حالا باید راضی شده باشند! حتی اگر مجبور شوند شبکه را در تیرماه هشت‌هزار و در مردادماه ده هزار تومان بخرند. البته این دوستان حالا باید دریافته باشند که قیمت بسیار کم شبکه در این سال‌ها، از قبل همین تبلیغات بوده است.

بیست سال بعد

در گذر از آستانه بیست‌سالگی، ناله و شکایت کافی است. ما در شبکه، تمام تلاش‌مان را می‌کنیم. حداکثر تلاشمان را. همه آنچه را که در عمرمان یاد گرفته‌ایم به کار می‌بندیم و بعد، نتیجه را رها می‌کنیم. نتیجه در اختیار ما نیست. هیچ‌وقت نبوده است و هیچ وقت هم نخواهد بود. رانت‌ها بماند برای همان‌ها که اهلش هستند و می‌خواهند و راهش را می‌دانند. هم ردیف بودجه دارند، هم سهمیه آگهی‌های دولتی، هم امکانات و... لابد این‌ها همه، بخشی از مزیت‌های رقابتی آن‌هاست.

هزار باده ناخورده...

در شرح حال عطار آورده‌اند که پیش از آن که عارف شهیری شود، در دکان عطاری نشسته بود و مشغول کاری. درویشی درآمد. پولی نداشت و دارویی طلب کرد. عطار توجهی نکرد. بار دیگر، عطار به درویش حتی نگاه نکرد. درویش گفت تو با این مال دوستی چگونه جان به جان‌آفرین تسلیم می‌کنی. عطار گفت مثل تو، مگر تو چگونه جان به جان‌آفرین تسلیم می‌کنی. درویش گفت این گونه؛ گیوه‌هایش را درآورد، کنار دیوار دکان گذاشت؛ سرش را روی آن گذاشت و چشمانش را بست. لحظاتی بعد عطار او را تکانی داد که برخیز و برو؛ اما درویش برنخاست. عطار نبضش را گرفت. درویش جان به جان‌آفرین تسلیم کرده بود. حیرت عطار چنان بود که که آوازش هنوز از پس اعصار و قرون به گوش می‌رسد. درویش نیستیم اما گیوه‌های ما هم آماده است. هر وقت، وقتش بود می‌گذاریم زیر سرمان. اما تا آن موقع هنوز تلاش‌های بسیاری مانده است... راه‌های نرفته بسیار است... هنوز «هزار باده ناخورده در رگ تاک است»...

بیست و یک سالگی...

با انتشار این شماره، شبکه بیست و یکمین سال عمرش را آغاز می‌کند. بیست سال پیش، در همین صفحه نوشته بودم که شبکه مجله‌ای است برای طرح دانسته‌های بسیار. آن وقت گمان بر این بود که هر بیست سال، حجم دانش بشری دوبرابر می‌شود. قرار بود که شبکه جایی باشد برای طرح دانسته‌های بسیار. دانسته‌هایی که هر روز و هر ساعت، در گوشه و کنار این زمین زیبای ما ایجاد می‌شوند. قرار بود که شبکه جایی باشد برای طرح نادانسته‌های بسیار. با آن که حوزه فناوری‌های نو و به ویژه آی‌تی، بسیار پویا است و دم به دم از این باغ میوه‌های نو می‌رسد، اما گمان ما بر این بود که دانش ما از خودمان، اطراف‌مان، روان‌مان و جامعه‌مان، پایه پای آن پیش نمی‌رود. در واقع می‌توان گفت که آن زمان، ما از فناوری، تنها فن را می‌دیدیم. قرار بود که شبکه جایی باشد برای طرح همه آنچه که همراه فن می‌آید. آن چه که در این بیست سال، هم ظاهراً جامعه بشری را دگرگون کرده است و هم باطن آن را. تنها به شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از دست‌آوردهای این بیست سال بنگرید تا دریابید که درون و برون ارتباطات بشری تا چه اندازه تغییر کرده است. و شبکه در این بیست سال، بی‌وقفه از آنچه که همراه فناوری می‌آید سخن گفته است. اینک حاصل این بیست سال کار ما، روی میز است. این که شبکه توانسته است بر عهده‌های روز نخست خود بایستد یا نه، قضاوتش با شما. اگر شبکه توانسته چشمه‌ای باشد که ده‌ها هزار دانشجو و علاقمند فناوری‌های نوین در رشته‌های مختلف با آب آن رفع تشنگی کنند، رضایت و افتخارش برای ما. بگذارید در پایان یک بیست سال و آغاز بیست سال بعد، لذتی نابی را به همه اهالی شبکه هدیه کنم. پیام نوید، یار دیرینه شبکه: «هم مجله‌های قدیمی و هم جدید و هم سایت را مطالعه می‌کنم. بیش از آنچه که خودتان فکر می‌کنید بر روی خوانندگان و دهه شصتی‌ها تاثیر گذاشتید و می‌گذارید.»

برای بیست سال بعدی همراه ما باشید

نشانی منبع:

<https://www.shabakeh-mag.com/opinion/13813/%D9%85%D8%A7-%D8%AA%D9%88%D8%A8%D9%87-%D8%B4%DA%A9%D8%B3%D8%AA%DB%8C%D9%85-%D9%88-%D8%A8%D8%A8%D8%B3%D8%AA%DB%8C%D9%85-%D8%AF%D9%88-%D8%B5%D8%AF-%D8%A8%D8%A7%D8%B1>